irannewspaper.ir

•سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳ • سال سی‌ام • شماره ۸۴۳۹
• اذان ظهر ۱۲/۰۴ • اذان مغرب ۱۸/۵۷ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۴/۰۰ • طلوع آفتاب فردا ۵/۲۹

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
• مهدی مهرپور (اقتصادی)
• زرین رستمی وند (اجتماعی)
• بنفشه غلامی (جهان)
• لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی (گزارش)
• زهرا کشوری (زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار (حوادث)
• مهدی کلهرنژاد (اجرایی)
• صفحه‌آرایی «ایران»
• ویراستاری «ایران»
• ابوالفضل نسایی (عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

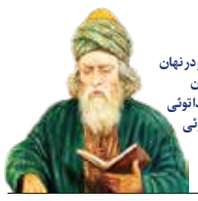

این جهان و آن جهان و در نهان
آشکارا در نهان و در عیان
هم عیان و هم نهان پیدا توئی
هم درون گنبد خضرا توئی
عطار نیشابوری

سخن روز

پیامبر اکرم (ص) فرمود:
پُرارج‌ترین مردم کسی است که آن‌چه را که به او مربوط نیست، رها کند.
نهج‌الفصاحه، ص ۶۸، ح ۳۵۵

نگاره

شب نتانیاهو

طراح/ احمد رضا سهرابی

فضای مجازی

جای خالی افروغ

مسعود ده‌نمکی با انتشار تصویری در صفحه اینستاگرامش یاد وخاطره عماد افروغ نویسنده، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه را که سالروز درگذشت او ۲۵ فروردین ماه است گرامی داشته و در توضیح آن آورده: «حسن رحیم‌پور و عماد افروغ. دو بزرگ در یک قاب که باید حرف‌هایشان را قاب گرفت. این روزها سالگرد درگذشت دکترعماد افروغ است. هر چه می‌گذرد جای خالی او را در میان کسانی که جسارت نقد و حرف حساب داشته باشند، بیشتر حس می‌کنم.»

آوار پیاپی اسطوره‌های رژیم غاصب

حامد خسروشاهی یک استوری از سیدعباس صالحی وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی را بازنشر کرده که در آن به حمله ایران به اسرائیل اشاره شده و دراین باره آورده: «اسطوره اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی درهم شکست و اسطوره امنیت فضایی‌اش درعملیات موشکی- پهپادی ایران فروریخت. آوار پیاپی اسطوره‌های رژیم غاصب را به نظاره نشسته‌ایم.»

ایران یک چک افسری درِ گوش اسرائیل خواباند

علی مشهدی، بازیگر سینما و تلویزیون در فضای مجازی نوشته است: ایران یک چک افسری درِ گوش اسرائیل خواباند.
وقتی یک نفر به خاک کشورت تجاوز می‌کند، شما نمی‌توانید ساکت باشید. وقتی آن‌قدر پررو شده‌اند که به سفارت ایران حمله می‌کنند و ژنرال‌های ایرانی را هدف می‌گیرند، از نظر من بی‌غیرتی است که انسان سکوت کند. دقیقاً زمان جواب‌دادن بود و از نظر من هر ایرانی باید خوشحال باشد.

عکس‌هایی از زندگی پس از جنگ در سوریه

گالری خانه حوزه هنری میزبان نمایشگاه عکس «بازگشت؛ عکس‌هایی از زندگی پس از جنگ در سوریه» شد. این نمایشگاه از ۲۶ فروردین ماه تا ۲۷ اردیبهشت ماه دراین گالری برپاشده بود. نمایشگاه عکس «بازگشت؛ عکس‌هایی از زندگی پس از جنگ در سوریه» با ۴۹ عکس از زندگی پس از جنگ در سوریه از ۵ هنرمند عکاس (امیر رستمی، حامد سوداچی، سعید فرجی، صابر قاضی و میثم ملکی) است.
به گفته امیر رستمی یکی از عکاسان این نمایشگاه: «نخستین نکته شوکه‌کننده در سوریه این بود که درصد بسیار کمی از مردم سوری، شیعه هستند و این بدین معنی است که ما به عنوان کشور حامی فارغ از جنبه‌های عقیدتی برای کمک به مردم این کشور رفته‌ایم و جنگیدیم تا این کشور سقوط نکند و این کار بسیار ارزشمندی است.»

پیشنهاد تئاتری داریوش مؤدبیان

داریوش مؤدبیان، مترجم و مدرس تئاتر در تازه‌ترین استوری خود تصویری از پوستر نمایش «سایلنت هملت، سایلنت» را با دنبال کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته و از اهوازی‌ها برای تماشای این کار دعوت کرده است.
آن‌طور که در اطلاعات این پوسترآمده، این نمایش در تالار آفتاب، سالن اصلی در شهر اهواز به روی صحنه می‌رود.
میلاد هارونی کارگردانی این نمایش را برعهده دارد و نسیم عسکری هم نمایشنامه آن را نوشته است.
محمد طاهری، امجد جلالی، مهرداد انجینی، مهدی حسامی، میلاد هارونی، کیوان صمدی، سیداحمد موسوی، عاطفه تندل، ساناز امامی و رعنا فرموسوی هنرمندانی هستند که در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند.
در خلاصه داستان نمایش «سایلنت هملت، سایلنت» آمده: «هملت تردیدهایش را کنار زده و برای انتقام آمده است، انتقامی که به شیوه مدرن گرفته می‌شود؛ آیا وقتی شمشیری در کار نیست و تنفر با بلاک کردن رخ می‌نماید هنوز هملت، هملت است؟ هملت را دوباره خلق کرده‌ایم؛ متفاوت‌تر، قاطع‌تر و عاشق‌تر. قهرمانی که آمده تا این‌بار به شیوه متفاوتی انتقام بگیرد؛ به شیوه سکوت.»

محفل انس با خوشنویسان

یدالله کابلی، هنرمند پیشکسوت خوشنویسی از برپایی چهارمین نمایشگاه خوشنویسی با عنوان «محفل انس» خبر داده که با حضور این استاد بزرگ و همچنین استاد محمد حیدری برگزار می‌شود. این رویداد هنری ۳۰ فروردین ماه در تالار حافظ شیراز با سخنرانی استاد یدالله کابلی و دکتر محمدرضا خالصی برگزار می شود.

نقل قول

دارا حیایی: فیلمسازان ما باید به جوان‌ها میدان بدهند

خدا را شکر که فضای ورود چهره‌های جدید، هموارتر شده است. فیلمسازان ما باید به جوان‌ها میدان بدهند و به آنها اعتماد کنند.
اگر نسل ما وارد این عرصه نشود، چه کسی می‌خواهد نقش‌های سنین ما را بازی کند؟ پدر من تا کی می‌تواند نقش یک پسر جوان را بازی کند؟ از طرفی دیگر هم من این را باور دارم که رسیدن به یک جایگاه آسان است اما ماندگاری نه.
برای خودم و همسن و سال‌هایم می‌گویم آن لحظه‌ای که ما فکر کنیم از بقیه بهتریم، همان لحظه‌ای است که سقوط می‌کنیم. ما برای مردم کار می‌کنیم و این مخاطب ماست که تصمیم می‌گیرد ما را دنبال کند یا نگاه و توجهش را از ما دریغ کند. پس بهتر است که با تمرکز و برای حفظ رضایت مردم کار کنیم.

بخشی از صحبت‌های این بازیگر با هنرآنلاین

یادداشت

محسن نفر
آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده

موسیقی، پژواک حق (۸)

ما با امورمواجه می‌شویم یا مقابل؟! مواجهه، یعنی رودررویی. تقابل، یعنی روبه‌روی هم قرارگرفتن. هر دو در موارد مثبت و منفی به کار می‌روند. ولی تقابل، بیشتر بار معنایی منفی دارد. رودررویی، درتقابل، به معنای مخالفت است. یعنی دو کس که در موضع مخالفت، مقابل و رودرروی هم قرارمی گیرند. ولی در مواجهه، یعنی برخورد دوکس، تصادفاً یا مسبوقاً، که با هم معمولاً ناسازگار و مخالف نیستند. در تقابل، که بیشتر مسبوق به سابقه است، عنصرتصادف کمتر است زیرا احیاناً مخالفت، جنبه پیشینی دارد. حال ما با مسائل و امور، مواجه می‌شویم یا مقابل؟ اموری که آشنا و دلپسند ما باشند، با آنها مواجه می‌شویم. ولی با اموری که ناآشنا و دل ناپسندمان است، مقابل.

بنازم به بزم محبت که آنجا / گدایی به شاهی، مقابل نشیند

در بیت فوق، تقابل با قرینه محبت، بار مثبت دارد. حتی می‌توان مانند نماز جماعت که شاه و گدا در کنار هم برای عبادت قرار می‌گیرند را تعبیر به مسالمت و مهر و دوستی کرد. اما همان‌طور که پیشتر گفته شد، تقابل، رویارویی مخالفت و مخاصمه‌آمیزاست. سؤال این است: چرا با امور مقابل می‌شویم؟ و چرا با آنها مقابله می‌کنیم؟ مطابق قول قبل، ما با امورمستحدث، مقابل می‌شویم و اگر آنها را غریب و نامطابق با خود ببینیم، مقابله می‌کنیم. عموماً علت مقابله و مخاصمه ما با امور، غریب و جدید بودن آنها است و این عجیب است. اصلاً دو لفظ عجیب وغریب، ترکیب همواره و مداومی دارند. گویی هرچه که غریب است، عجیب هم هست و ذهن با امورعجیب، انس و الفتی ندارد و غریب‌ها، بیشتر عجیب‌اند زیرا ناآشنایند. پس تا به‌حال ما تا اینجای بحث، با واژه‌های مواجهه، مقابله و در ذیل آنها، عجیب، غریب، انس و الفت روبه‌رو شدیم. نکته بسیار مهم درخصوص هنر، این است که همه موارد فوق در آن مشاهده می‌شود. اثر هنری، هم عجیب و غریب است و هم مأنوس و مألوف. ما با اثر هنری، هم مواجه می‌شویم و هم مقابل.
در حالی که در هر دو حال، هم ستوده است و هم مذموم. البته امور دیگر هم بسیار مشمول این تضاد می‌شوند که یکی آن را، یکی این را پسندد. ولی در هنر، جذب و جذابیت، عنصرغالب است. مذموم جذاب (جذاب لعنتی). حتی فقرات ناپسند و ناملایم هم جذابند. چگونه امری ناپسند، جذاب هم هست؟ این از ویژگی‌های هنر است. معمولاً امور، دلیل جذابیتشان، پوشیدگی مذمومیت‌شان است. اگر آشکارشود، منفور می‌شوند و در هنر، صاحبان رأی، از همین روی از اثر و یا سبکی، روی گردانند. اما خلاف رأی آنها، بازهم آثار مذموم، محبوب و جذابند. چرا؟ زیرا پسندیدگی و ناپسندی درهنر، ذیل جذابیت قراردارند. چگونه امری ناپسند جذاب می‌شود؟ آنگاه که پای اخلاق در آن مشهود نمی‌شود. ما در مواجهه با هنر، با دو امر همزمان مواجهیم: ۱- زیبایی ۲- اخلاق. عنصر اصلی زیبایی، جذابیت و عنصر اصلی اخلاق، حسن و قبح است. مواجه شدن هنر، در یک زمان هم با زیبایی و هم با اخلاق تلاقی می‌کند.
یعنی هم با جذابیت وهم با خیر وشر! اگرمیلش تابع زیبایی باشد، به آن جذب می‌شود و اگر تابع اخلاق باشد از آن می‌پرهیزد. اصلاً علت اصلی هر جذب و دفعی همین است. همه امور، منشأ جذب و دفعند. یکی این را، یکی آن را پسندد. آنکه جذب می‌شود، میلش تابع کشش‌ها و جذابیت‌های موضوع و آنکه دفع می‌کند، میلش تابع نیکی و بدی (اخلاق) است. خوردن هله، هوله، به‌خصوص برای کودکان، به سبب مجذوبیت و پرهیز بزرگترها از آن، به سبب ضرر و آسیب موجود و ناشی از آن است. هرقدر هم که ضررهای آنها برای کودکان بازگو شود، باز آنها جذب می‌شوند. چرا؟ چون میلشان به آن، مجذوب است. اگر کسی از آن می‌پرهیزد، بدان میل ندارد؟ یا علمش موجب پرهیز است؟ یعنی میل دارد ولی از علمش تبعیت می‌کند. اگرمیل و علم را توأماً در هر کاری کاوش کنیم، می‌بینیم که هر شخصی در یک زمان، تحت تأثیر یک جبر و یک اختیار، قرار دارد. جبر میل و اختیارعلم. کدامیک قوی‌ترند؟ در همه امور چنین است. غذایی را دوست داری ولی برایت ضرر دارد! مادام که نمی‌دانی می‌خوری، آنگاه که کبدت چرب می‌شود، قصد پرهیزمی کنی! آیا می‌کنی؟ علم از چربی کبد، تو را پرهیز می‌دهد! آیا پرهیز می‌کنی؟ چه میزان از عالمان، به علم خود عمل می‌کنند؟ عمل به علم، جبر است یا اختیار؟ آنکس که میلش به زندگی بیشتر باشد، به علمش بیشتر عمل می‌کند! اما همان کس که خوراکی‌های مضر می‌خورد هم برای لذت‌بخش‌تر کردن زندگی است. برای زندگی می‌خورد و بهره می‌برد. حال چطور است که این زندگی موقعی دستور تمتع می‌دهد و موقعی دستور پرهیز؟ قانون زندگی قانون تعادل و عدالت است. عدالت هم، گرفتن جانب اختیار است درمقابل جبرهای گوناگون. پس آدمی در همه موارد، همزمان با جبرهایی مواجه و با اختیاراتی، مقابل است! به نظر می‌رسد برعکس باید باشد. یعنی با جبرهایی مقابل و با اختیاراتی مواجه است. ولی اینطورنیست. جبر که قابل مقابله نیست. جبر تابع شدنی است. تحت جبر، اختیاری ندارد. جبر، جبر می‌کند و اختیار را سلب. اگر مجبور باشی، از خود اختیاری نداری.
پس با جبرها مواجه می‌شویم و تحت تأثیر قوی آنها، با اختیارها مقابل. ما با اختیار خود مقابله می‌کنیم. کسی که علم دارد دزدی بد است چرا مرتکب می‌شود؟ زیرا جبرِتمتعِ ناشی از دزدی، اختیار پرهیز را سلب می‌کند. آن جبر، جاذب و این اختیار، دافع است.

گر بر سر نفس خود امیری مردی!

اگرعلم پرهیز، جبر جذب را مغلوب کند، آنگاه است که اختیار پای بر سر جبر گذارده است. اما برای سرکوبی جبر، باید جبر دیگری در کار آید. جبر اختیار. یعنی چه؟ این لفظی و مغالطه‌ها چیست؟ علم باید جبر داشته باشد. این خزعبلات چیست که می‌گویی؟! اگرعلم، تو را مجبور نکند، چگونه آن را به‌کار می‌گیری؟ علمی که به‌کار نیاید چه علمی است؟ اصلاً چه فایده‌ای دارد؟ علم بی‌فایده، علمی است که جبر ندارد. علم جبار، به‌کار می‌آید. مجبوری از به‌کار بستنش.
اگر علم داشته باشی که در اثر بی‌نظافتی، مریض و آلوده و حتی منفور می‌شوی، به علمت که به نظافت سفارش بلکه دستور می‌دهد، عمل کنی!

> معمولاً امور، دلیل جذابیتشان، پوشیدگی مذمومیت‌شان است. اگر آشکارشود، منفور می‌شوند و در هنر، صاحبان رأی، از همین روی از اثر و یا سبکی، روی گردانند

هنر کارآفرینی

پرویز کرمی
کارآفرین

جان جامعه

دوستی که به شغل وکالت مشغول بود می‌گفت، وقتی یک قانون جدید تصویب می‌شود در کنارش چند فرصت شغلی هم به وجود می‌آید؛ یک فرصت برای وکلا و یک فرصت برای صنف مخاطب آن قانون، یک قانون هم برای سوءاستفاده‌گران از قانون. یعنی هر قانون با خود فضای تولید جدید ایجاد می‌کند و اقتصاد بخش‌های مختلف را به تحرک وامی‌دارد.
حالا سؤال اساسی این است: چرا چرخ اقتصاد فرهنگ و هنر، لنگ می‌زند؟ سؤال بعدی هم این است که چرا باوجود میزان قابل‌توجهی تولید در عرصه فرهنگ و هنر، باز هم اهالی این حوزه از وضعیت مطلوب اقتصادی برخوردار نیستند؟ چرا دخل‌شان با خرج‌شان نمی‌خواند؟ تولید، گام اول در همه سازکارهای هستی است. بدون تولید، چیزی زنده نمی‌ماند. سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و کهکشان‌ها، در چشم به‌هم زدنی از هم، فرو می‌پاشند.
در گستره اجتماع، اقتصاد، سیاست و فرهنگ هم، تولید یعنی همه چیز. در حوزه اقتصاد و بخش‌های دیگر را نمی‌دانم اما در بخش فرهنگ، همه مشغول کارهستند. هر روز در بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری و رسانه‌ای، محصولات بسیاری در شکل و شمایل مختلف و متعدد، تولید می‌شود.
خوشبختانه بازار این تولیدات هم همواره روبه‌راه است و بازارعرضه و تقاضا در آن، بسیار داغ و پر مخاطب است، پس کجای کار می‌لنگد؟ آیا در جاهای دیگر جهان هم، اوضاع این‌طوری است؟ هنرمندان باید منتظر حمایت دولتمردان باشند؟ چند وقت پیش خبری خواندم درباره یک خواننده که درآمد سال گذشته میلادی‌اش از درآمد دو خودروساز بزرگ ما بیشتر شده است یا مثلاً درآمد فیلم‌های سینمایی در کشورهای غربی، اغلب چشمگیر و با اعداد بزرگ همراه است.
از اینها مهم‌تر، اینکه در حال حاضر بزرگ‌ترین شرکت‌های درآمدزای جهان در حوزه تولید محتوا فعالیت دارند.
پس می‌شود در حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، درآمد کسب کرد و ثروتمند شد و حتی جور صنعت را هم به دوش کشید.
در حوزه قوانین، ما دست‌مان خالی نیست. خوشبختانه در بخش‌های مختلف کسب و کار به‌تازگی حمایت‌های قانونی در حال افزایش است.
به هر حال نقص و کمبود در همه‌جا هست و مهم، تلاش برای رفع آنهاست. معمولاً در عرصه‌های کسب و کار و کارآفرینی در فرهنگ و هنر، هنوز با قوانین و راه‌های قانونی آشنایی ندارند. هنوز استارتاپ‌ها و کسب وکارهای نوین توسط فعالان هنر، رسانه و فرهنگ به رسمیت شناخته نشده‌اند. یعنی کمتر کسی حاضر است در حوزه فعالیت خود، برود یک کار تازه راه بیندازد و با استفاده از ابزارهای نو و فناوری‌های جدید درآمدزایی کند.
بویژه در بخش رسانه، ما همچنان گرفتار حمایت‌های دولتی و سازمانی هستیم. هنوز کسی جرأت نکرده است که بند ناف رسانه را از بدنه دستگاه‌ها ببرد و خودش جهان مستقلی را راه بیندازد.
مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، آن چیزی نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز، چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی و رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است.
پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش برود بازاریابی کند. منتظر است تا سراغش بیایند و سفارش بدهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم مشخص است.
فکر می‌کنم حالا دیگر وقت آن رسیده باشد که اهالی رسانه به‌عنوان جریان‌سازان جامعه، خودشان جریانی تازه درون خود راه بیندازند و با ایجاد کسب و کارهایی که نیازهای جامعه را مرتفع می‌سازد، تبدیل به کارآفرینانی شوند که رشد و پیشرفت را سبب‌ساز شوند.
تولید، قلب تپنده جامعه است و تولید در بخش رسانه، هنر و فرهنگ، یعنی آن جامعه شاداب و سرحال است و از کرختی و کاستی به دور خواهد بود.

> در حال حاضر بزرگ‌ترین شرکت‌های درآمدزای جهان در حوزه تولید محتوا فعالیت دارند. پس می‌شود در حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، درآمد کسب کرد و ثروتمند شد و حتی جور صنعت را هم به دوش کشید

عکس نوشت

«خدیجه عباسی» در یکی از روستاهای اردکان استان یزد در کنار همسرش زندگی می‌کند. شغل و پناهگاه او ساختن عروسک‌های خلاقانه و بی بدیل است. خانم عباسی، مزرعه‌اش را تبدیل به یک جاذبه فرهنگی کرده و با مواد دورریختنی و بی مصرف، عروسک‌های جذاب و زیبا می‌سازد.

عکس: ایرنا